

ارزیابی کیفی تغییر عناصر شهرکهن ایرانی به شهر مدرن در جهت احیای مکان‌های شهری با هویت ایرانی - اسلامی*

کیومرث حبیبی^۱، الهام روحانی چولائی^۲

^۱ دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه کردستان
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه علامه طباطبائی تهران

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۱۰

چکیده

با تگاهی کلی به روند شهرنشینی و شهرسازی در ایران می‌توان دریافت، شهرهای ایران که دارای ویژگی‌های تکامل یافته در قرن‌های متمادی بودند، در چند دهه اخیر دچار تحوّل عظیم شدند. آنچه که این شهرها به عنوان خصوصیات کالبدی در خود داشتند، فضاها و عناصر معماری - شهرسازی ارزش‌مندی منبث از فرهنگ حاکم بر زندگی شهروندان بودند. ویژگی کالبدی شهر اسلامی و کارکرد عناصر آن را می‌توان تبلور بصری ماهیت اسلامی آن دانست؛ آن وقت لزوم توجه به نقش و کارکرد عناصر کالبدی برای برجسته‌تر شدن آن هویت، بیش از پیش ضرورت می‌یابد. این مقاله با هدف بررسی تغییر عناصر شهر سنتی به عناصر شهری مدرن و تبیین شاخص‌های کیفی مثبت و منفی از دست داده و یا به دست آورده، ضمن مرور پیشینه و اسناد مرتبط با موضوع و نیز نظرخواهی از متخصصان این حوزه (به روش دلفی) و روش کیفی چک‌لیست‌های دو دویی طراحی شهری، نشان می‌دهد که در صورت بی‌توجهی به این عناصر، هویت اسلامی و تاریخی آن‌ها کم‌کم رنگ می‌بازد و عناصری جانشین می‌شوند که رنگ و بوی بومی ندارند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در اثر این تغییر، ضمن آن که سطح شاخص‌های کیفیت محیط همانند زیبایی بصری در بعد فرم، خلوت، دسترسی، کارایی، همه‌شمولی و تنوع در عملکرد و امنیت، آسایش و خوانایی در بعد معنا ارتقا می‌یابد، اما شاخص‌های دیگری از کیفیت محیط شهری همانند ارزش‌های معمارانه و مقیاس انسانی در بعد فرم و تعاملات اجتماعی، مشارکت و سرزندگی در عملکرد و هویت و حس تعلق و خودمانی و دنجی بودن محیط در بعد معنا تضعیف شده است. بر این اساس این پژوهش راهبردهایی را با هدف تقویت شاخص‌های مثبت و کاهش سطح شاخص‌های منفی در جهت دست‌یابی به مکان‌های شهری با هویت ایرانی - اسلامی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، شهر اسلامی، هویت اسلامی، عناصر کالبدی، شهر مدرن.

* E-Mail: Habibi_ki@yahoo.co.uk

سرزمین اسلامی ایجاد هویت متمایز می‌نمایند عبارتند از: مسجد جامع، بازار و محله‌های مسکونی (موحد و دیگران، ۱۳۹۱). این مقاله در صدد آن است تا با شناخت عناصر اصلی شهر کهن ایرانی به ارزیابی کیفی تغییر این عناصر در عصر کنونی بپردازد.

روش و چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت آن که از نوع تحلیلی - توصیفی است از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است و کتاب‌ها، مجله‌ها و مقاله‌ها مهم‌ترین منابع مورد استفاده در این پژوهش است. البته برای ارائه شاخص‌های کیفی پژوهش و تحلیل تکمیلی یافته‌ها از روش دلفی و چک لیست‌های دودویی طراحی شهری نیز استفاده شده است.

روش دلفی

روش دلفی را می‌توان گونه‌ای از فنون ساختاریافته برای انجام طوفان فکری در نظر گرفت که شامل نظرخواهی از کارشناسان به وسیله تکرار متوالی یک پرسشنامه است. هر تکرار شامل یک دوره بوده و وسیله‌ای برای بیان دیدگاه‌های کارشناسان است. نتایج هر دور نظرسنجی جمع‌آوری شده و اظهارنظرها به شیوه‌های کمی و کیفی تحلیل می‌شود (Assakul, 2003). به طور کلی دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرگروهی از متخصصان در مورد موضوع و یا یک سؤال مشخص است. شناسایی و صلاحیت متخصصان، نکته مهمی در دلفی بوده چنان که دست‌یابی به اهداف، وابسته به انتخاب دقیق شرکت‌کنندگان است. بدین منظور از نمونه‌ای متشکل از ۱۰ نفر از متخصصان شهری استفاده کردیم که دانش و تجربه در موضوع، تمایل و زمان کافی برای شرکت در پاسخ به این سؤال را که در «اثر تغییر عناصر شهر کهن ایرانی به عناصر شهری مدرن، چه ویژگی‌ها و شاخص‌های مثبت و منفی‌ای را کسب نمودیم و یا از دست داده‌ایم» داشتند.

مباحث نظری مفهوم مکان

شولتز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده تلقی می‌کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست و جو می‌نماید. برای او مکان همان فضای زنده است (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲: ۷۳). در واقع مکان‌ها ذاتاً پایگاه‌های معنایی هستند که در طول زندگی بر اساس رویدادی شکل گرفته‌اند، با آغشتن آن‌ها با معنا، افراد و گروه‌ها یا جوامع، فضا به مکان تغییر می‌کند (Carmona, 2006: 97). معنای مکان در تصویرهای ذهنی و خاطرات مردم شکل می‌گیرد و مؤثرترین عامل در هویت مکان است. دو معیار شکل فیزیکی و رفتار فضا می‌تواند تأثیر بر فضای بین روابط در آن فضا داشته باشد. این

شهرکجاست؟ آیا شهر مکانی برای زندگی کردن است یا جایی است که می‌توان در آن زندگی را سپری کرد؟ به راستی امروزه شهرها تا چه حد توان پاسخ‌گویی به مراتب نیازهای انسانی را دارند؟ امروزه شهر انبان جمعیت و خدمات است یا سرمنزلی شایسته برای انسان و انسانیت؟ (نژادستاری، ۱۳۹۰). ادراک ما از شهر توسط عوامل عینی (شخصیت محیط، میزان سر و صدا در خیابان‌های شهر، میزان امنیت)، تفاوت‌های فردی (جنسیت فرد، تجربه خود، ویژگی‌های روانی فرد و غیره) یا ویژگی‌های متمایز شهر (میراث تاریخی و فرهنگی، کیفیت زندگی، سطح توسعه، و غیره) تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Kruzhkova, Olga V, 2013). اماکن با شکل فیزیکی، فعالیت و معنا ساخته می‌شوند. این بدین معنی است که با فرایندهای روانی و اجتماعی فرد و ایجاد ادراک، مرتبط است. از آن‌جا که ادراک عاطفی از فرایندهای روانی (معانی)، ریشه در محیط به وجود آورنده دارد، هویت مکان نه تنها اجزای فیزیکی بلکه معنا و رابطه را بین مردم و مکان توسعه می‌دهد. به طور همزمان، ویژگی‌های فرهنگی با درک عاطفی فرد و نیازهای کارکردی و هویت محل آن مشخص می‌شود (Ujang, Norsidah, 2009). هاگ و آبرامز نیز معتقدند که هویت، دیدگاه مردم برای خودشناسی و هم‌چنین به عنوان راهی برای بیان ارتباط با دیگران است (Cheshmehzangi, Ali & Heat, Tim, 2012). هویت شهری نیز بازتابی از تمام سنت‌های مردم محلی، فرهنگ و آرمانی است که با هم گروه‌بندی می‌شوند (Ahmed Aly, Sherine Shafik, 2011). محیط زندگی انسان تأثیر بسزایی در رفتار و هویت انسان به سمت ارزش‌های مستتر در خویش دارد. در این میان شهر را می‌توان محیطی برای تجلی هویت، ارزش‌های منبعث از اعتقادات، جهان‌بینی و فرهنگ ساکنان و پدیدآورندگان خود دانست. این مفهوم در طول دوران و در سرزمین‌های مختلف با محیط‌های طبیعی و انسانی متفاوت و تحت تأثیر تحولات تاریخی و ایدئولوژیکی، تغییرات بسیاری به خود دیده است؛ به ویژه تحت تأثیر تحولات مدرنیته، تغییر فزاینده یافته است به گونه‌ای که بسیاری از عناصر و اجزای شهر کهن در آن رنگ باخته‌اند (موحد و دیگران، ۱۳۹۱). با توجه به این عوامل، در شهر، هر مکان، یا به عنوان محیطی دوستانه و راحت که فرصت‌هایی برای توسعه و تحقق خود دارد و یا به عنوان محلی تهدیدآمیز و خطرناک، که اثرات منفی واقعی و بالقوه‌ای را فراهم می‌کند، متفاوت درک خواهد شد (Kruzhkova, Olga V, 2013). شهر اسلامی نیز از این تحولات بی‌نصیب نمانده و تغییر چهره داده است.

قلب و محتوای شهرهای اسلامی بر سه محور مهم، یعنی محلی برای سکونت، مکانی برای عبادت و در نهایت فضایی برای تجارت شکل گرفته است. عناصری از شهر اسلامی که از یک سو تأمین‌کننده این نیازها باشد و از سوی دیگر در پهنه

امر می‌تواند به مفهوم تبدیل فضا به مکان قابل شناسایی شود، که در آن شبکه‌ای از تجربه‌ها، خاطره‌ها و ادراک‌های ساخته شده استنباط می‌شود (Cheshmehzangi & Heat 2012).

هویت مکان

بر پایه مطالعات لینچ، هویت مکان را اینگونه بیان می‌کند: «هویت یک مکان، تشخیص یا تمایز مکانی ایجاد می‌کند که پایه شناخت آن به عنوان یک کل متمایز است» (Relf, 1976: 45). در واقع هویت مکان، آنچه افراد در ذهن خود درباره مکانی خاص می‌سازند و با تصویر آن مکان، برای آن‌هاست. هویت مکان، «تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی واسطه و تفسیر هدفمند از آن چه هست و آن چه باید باشد، است» (پیشین: ۵۶).

ارتباط محیط مصنوع و هویت ایرانی - اسلامی

محیط (معماری شهر) واجد هویتی است که نشان از مفاهیم و مقولاتی دارد که اهم آن به قرار زیر هستند:

- * هویت محیط مصنوع بیانگر ارزش‌های حاکم بر جامعه است.
- * هویت محیط مصنوع بیانگر ارزش‌هایی است که جامعه به متصل بودن به آن تمایل داشته و خویش را در صورت واجد بودن و رعایت آن ارزش‌ها، در مسیر کمال و ترقی می‌پندارد.
- * ویژگی‌های محیط مصنوع بیانگر هویتی است که جامعه تمایل دارد با آن هویت شناخته شود.
- * ویژگی‌های محیط مصنوع بیانگر هویت جامعه‌ای است که آن محیط را پدید آورده و در آن زیست می‌کند.
- * ویژگی‌های محیط مصنوع بیانگر هویتی است که عده‌ای (طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهر) می‌خواهند برای جامعه به وجود آورند.

بر این اساس بهترین حالت را می‌توان وقتی دانست که آثار انسان و از جمله شهر، بر پایه اصولی شکل گرفته که آن اصول منبعث از فرهنگ جامعه بوده و هویت حاصله مبین اصول و مبانی فرهنگی مأخوذ از جهان‌بینی جامعه باشد (نقی زاده، محمد، ۱۳۸۶: ۳۳۲ - ۳۳۱).

دست‌یابی به مکان‌های شهری موفق

زندگی عمومی مردم در فضاهای عمومی شهری در مجموعه پیچیده‌ای از اشکال و عملکردهایی رخ می‌دهد؛ بر این اساس، این فضاها باید قادر باشند که شامل رفتارهای مختلف استفاده‌کننده باشند و فعالیت‌هایی مانند خرید، پیاده‌روی، گفت‌وگو، با استفاده از امکاناتی برای سرگرمی، استراحت و نیز جشن‌ها و رویدادهای دوره‌ای صورت پذیرد (Jalaladdini, Siavash & Oktay, Derya 2012).

برای دست‌یابی به مکان‌های موفق می‌باید دیدگاه وسیع‌تری از توجه صرف به جنبه‌های فیزیکی مکان‌ها اتخاذ نمود، دیدگاهی که با جنبه‌های روان‌شناسانه، فرهنگی و اجتماعی مکان ترکیب شده باشند. بنابراین ترکیبی از سه جنبه اساسی،

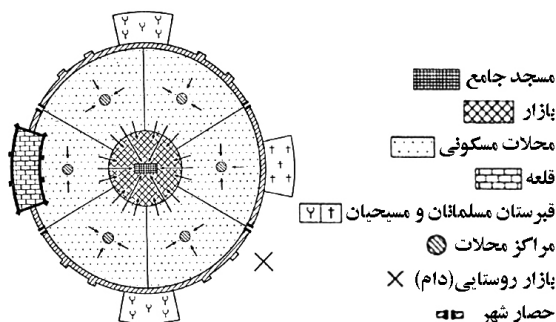
مشمول بر جنبه‌های فیزیکی مکان، تجارب حسی و فعالیت‌ها (فعالیت، تصویر ذهنی و فرم) باید مورد توجه قرار گیرد (Montgomery, 1998: 95-96).

مفهوم شهر اسلامی

بین مفهوم شهر و جهان‌بینی اسلامی از ابتدا روابط نزدیکی وجود داشته است. در شهر اسلامی اولین ایده جهان‌بینی اسلامی توسط افراد درک می‌شود. مفهوم شهر اسلامی که شرق‌شناسان به کار برده‌اند، مبتنی بر این فرض است که چون اسلام نظام ارزشی کاملی است و تمام الگوهای رفتار و سازمان اجتماعی را تعیین می‌کند، پس ریخت‌شناسی کالبدی سکونت‌گاه‌ها (شامل شهرها) نیز محصول ایمان اسلامی است و با درک درست از اسلام می‌توان ساختار شهر اسلامی را هم فهمید (محمدی و شیخ بیگلر، ۱۳۸۷). شهر اسلامی به معنای شهر ساخته‌شده بر اساس اصول در قرآن و تعالیم نبوی است. در حالی که «شهر مسلمانان» به معنای شهری است که در آن مسلمانان زندگی می‌کنند (Jama- linezhad & et.al, 2011). اصطلاح شهر اسلامی، بیانگر هویت ویژه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص ساکنان آن است. فضای کالبدی بیش‌تر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که بیانگر وجود روح مشترک برآمده از مکتب الهی در آن‌ها است (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷). به منظور شناخت بیشتر مفهوم شهر اسلامی می‌بایست عناصر آن در شکل و مدل‌های فضایی شهر مورد بررسی قرار گیرد.

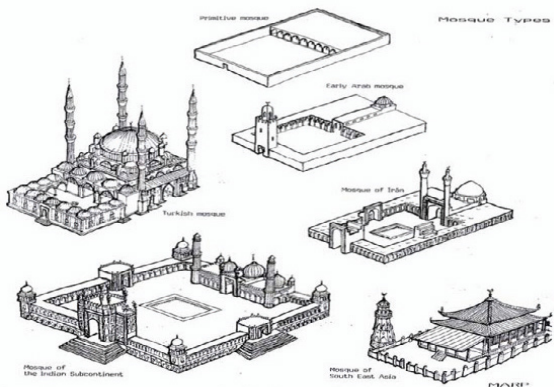
شکل و مدل شهر اسلامی

جغرافی دانان آلمانی نخستین پژوهشگرانی بودند که به تهیه مدل شهر اسلامی مبادرت ورزیدند. از میان طرح‌های آن‌ها، طرح شماتیک دتمان ۱، نشان‌دهنده شهر اسلامی شرقی مطلوب است. دتمان در طرح خود (تصویر شماره ۱)، که در سال ۱۹۶۹ تهیه کرد، علاوه بر مسجد جامع، بازار را نیز به عنوان مرکز و قلب شهرهای اسلامی به تصویر کشید. معمولاً بنای مسجد جامع در شهرهای اسلامی همیشه در کنار بازار شهر قرار دارد (شفقی، ۱۳۸۷). در تصویر شماره ۲ نیز، عناصر شهری شهر بغداد نیز برای نمونه آورده شده است.

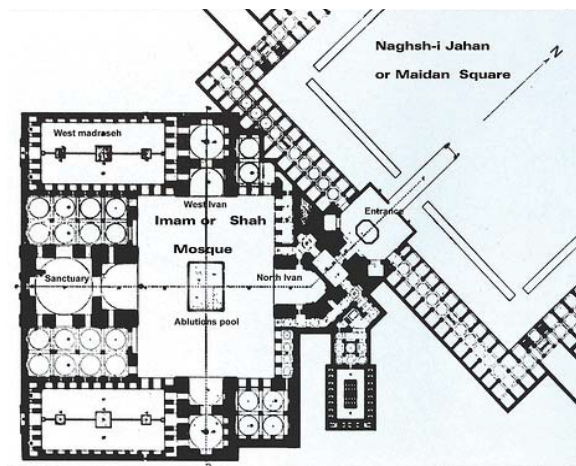


تصویر شماره ۱: مدل دتمان، مأخذ: شفقی، ۱۳۸۷

جامع باشند (Dehghan Touran Poshti, A, Tayefi Nasrabadi, M, 2012). بنابراین، وجود مسجد جامع به عنوان یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی شناخته شد. مسجد در قلب شهر بود و معمولاً سوق (بازار) آن را احاطه می کرد (تصاویر شماره ۵ و ۶). در مسجد جامع، نماز جمعه برپا می شد و مدرسه‌ای به آن چسبیده بود که تعالیم علمی و مذهبی را ارائه می داد (محمدی و شیخ بیگلر، ۱۳۸۷: ۳۸۲).



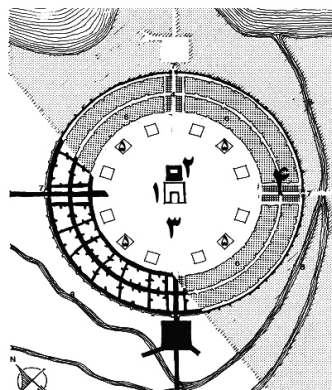
تصویر شماره ۵: مساجد در شهرهای اسلامی یکی از عناصر نشانه‌ای مهم و دارای ارزش معمارانه است، مأخذ: Mohad Taib & Rasdi, 2012



تصویر شماره ۶: مسجد امام در ارتباط و هماهنگی با میدان نقش جهان در شهر اصفهان، مأخذ: Haji-Qassemi, 1996

بازار

بازار در خارج از مسجد اصلی قرار داشت و در آنجا فعالیت‌های اقتصادی شهر عرضه می شد. توزیع کالا و فروش آن از نظر مکانی اغلب از جنبه ماهیتی‌شان صورت می گرفت. اقلام مقدسی مانند شمع، بخور و عطر و می رسید، در نزدیکی مسجد قرار داشت و بقیه کالاها در فاصله دورتری بودند. ناحیه مرکزی شهر نیز محل تجمع سایر فعالیت‌های عمومی از قبیل فعالیت‌های اجتماعی،



۱. کاخ خلافت
۲. مسجد
۳. Rabbah
۴. بازار
۵. کاخ‌های خانواده‌های سلطنتی

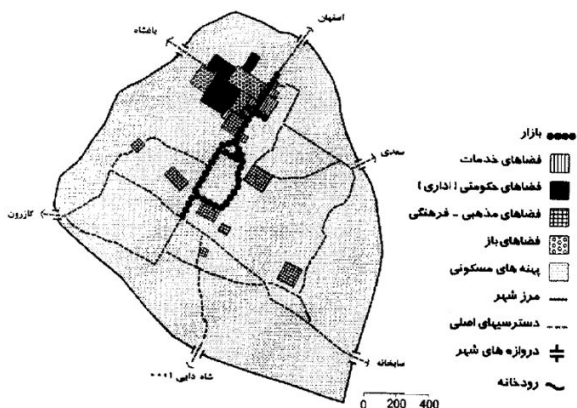
تصویر شماره ۲: بررسی عناصر شهری شهر بغداد، مأخذ: Alsayyad & Turelil, 2009

در تصاویر ۳ و ۴ نیز، ساختار فضایی شهرهای ایرانی - اسلامی اصفهان و شیراز آورده شده است. همان طور که مشاهده می شود فضای مذهبی مسجد، فضای تجاری بازار، فضای حکومتی ارگ، فضای باز میدان و فضای مسکونی محلات، اصلی ترین عناصر ساختار فضایی شهر محسوب می شوند.



- ۱: میدان اصلی
- ۲: مسجد اصلی
- ۳: ارگ
- ۴: محله‌های مسکونی
- ۵: میدان محله‌ها

تصویر شماره ۳: بررسی عناصر شهری ساختار فضایی شهر اصفهان، مأخذ: Sharifi & Murayama, 2013



تصویر شماره ۴: بررسی عناصر شهری شهر شیراز، مأخذ: نیک کار، ۱۳۸۴

معرفی عناصر اصلی شهر اسلامی مسجد جامع

مسجد جامع عنصر متمایز شهرها بود؛ به عنوان مثال شهرها زمانی نام شهر به خود می گرفتند که دارای مسجد

اداری، تجاری، هنری، هنرهای دستی، حمام و استراحت گاه‌ها بود (محمدی و شیخ بیگلر، ۱۳۸۷: ۳۸۲).

ارگ و بارو

ارگ مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای می‌داده و مقر حاکم بود. ارگ در ارتباط فضایی با بازار و مسجد جامع قرار داشت. این خصوصیات در آثار به جای مانده بسیاری از قسمت‌های قدیمی شهرها قابل مشاهده است. در «سمرقند» و «بخارا»، ارگ شهر، بخشی از قلعه بود و در مجاور مراکز اقتصادی و مذهبی قرار داشت. ارگ به عنوان عنصر سیاسی از سایر عناصر جدا بود که با ایجاد حصار و بارو در اطراف آن به صورت کانون اصلی شهر تجلی می‌کرد (نظریان، ۱۳۸۵).

میدان

زندگی شهری پویا زمانی است که شهر دارای سطح کافی از پیچیدگی و تنوع محیط‌های شهری و ترکیب اجتماعی باشد (Zhou, Jing, 2012). میدان به عنوان فضایی شهری با حضور و مکث معنی دار انسان موجودیت می‌یابد. مطالعه شهر از دوران کهن، به

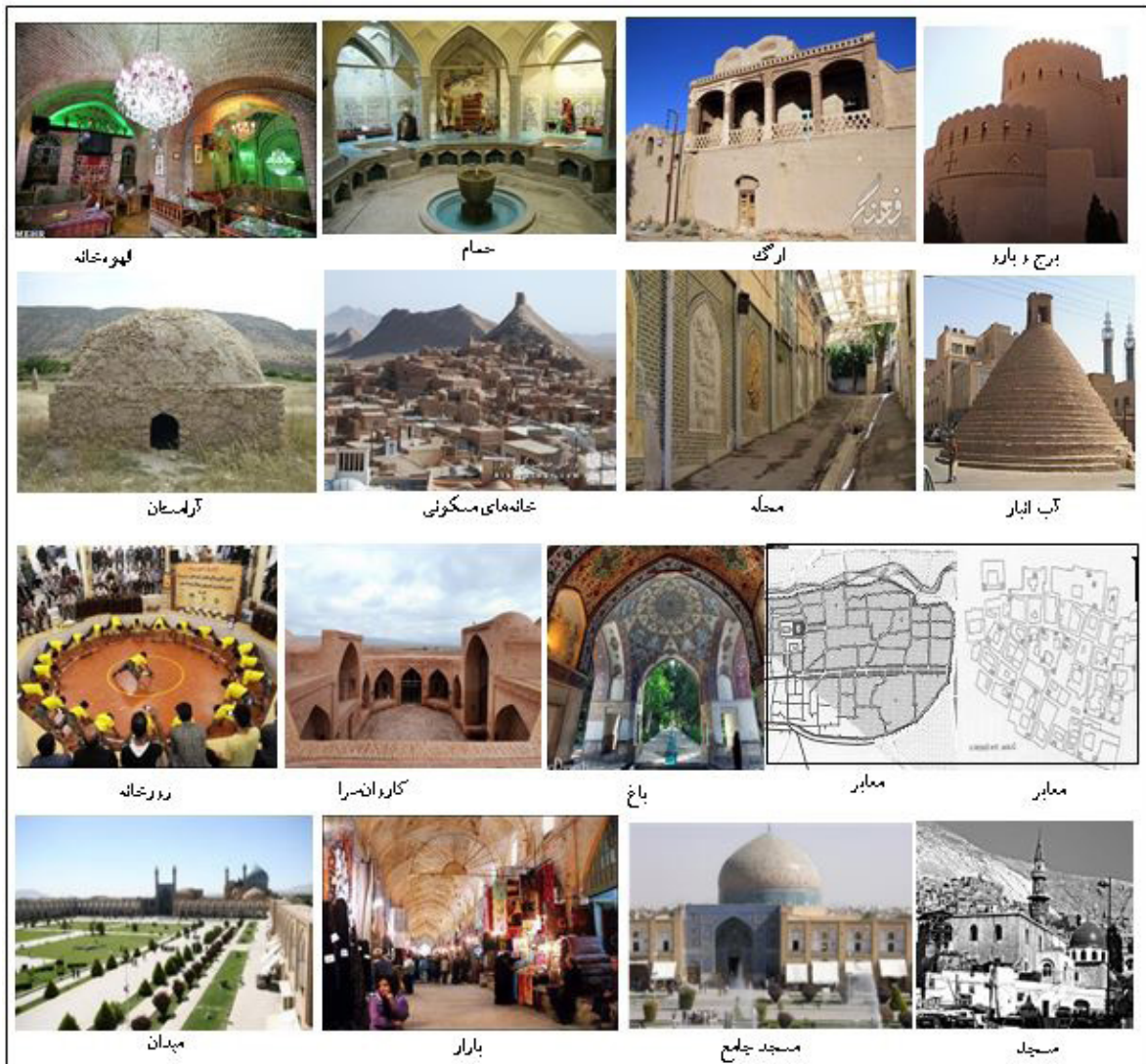
خصوص شهرهای ایران بعد از اسلام، گویای آن است که همواره میدان نیز هم چون دیگر اندام‌های مؤثر و کارکردی در حیات جاری شهر حضوری مؤثر دارد (ضرابی و علی‌نژاد طیبی، ۱۳۸۹).

محلله‌های مسکونی

بخش مسکونی شهر اسلامی را محلله‌ها تشکیل می‌دهند که ساختار ویژه‌ای داشته‌اند. در حقیقت مجموعه متجانس و همگن از محلله‌ها، شهر را شکل می‌دهند. عدم تفکیک طبقات اجتماعی از خصیصه‌های بارز شهر اسلامی است (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

معرفی عناصر شهر اسلامی

با توجه به بررسی مدل‌های ساختار فضایی شهرهای اسلامی، علاوه بر عناصر اصلی معرفی شده، عناصر دیگری نیز در شکل‌گیری شهرهای اسلامی قابل بررسی است (تصویر شماره ۷) (رجوع شود به (نقی‌زاده، ۱۳۸۹)، (رضایی، ۱۳۹۲)، (ضرابی و علی‌نژاد طیبی، ۱۳۸۹)، (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰)، (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۸۸) و (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴)).



تصویر شماره ۷: عناصر شهر اسلامی، ماخذ: نگارندگان و تصاویر برگرفته از سایت‌های عمومی اینترنتی

یافته‌های پژوهش

نگرشی تحلیلی بر تغییر عناصر شهری کهن به مدرن

در این بخش از پژوهش، با توجه به بررسی مباحث نظری، شاخص‌های کیفی مثبت و منفی‌ای که در روند تغییر عناصر شهر کهن ایرانی به عناصر شهری مدرن، در فضاهای شهری امروز به دست آمده و یا از دست رفته‌اند، بررسی و تحلیل می‌شوند.

تبدیل بازارها به پاساژها

بازار یکی از ارکان اصلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر سنتی ایرانی است که تعاملات اجتماعی را در بستری تاریخی و فرهنگی پذیرا شده و واجد ارزش‌های کیفی و هنری والایی است (حبیب، ۱۳۸۵). بازارها فقط محلی برای دیدارها، مذاکره‌ها و انجام معاملات اقتصادی نبودند، بلکه مکانی برای صلح و نزاع یا آشتی‌ها و پیمان‌ها محسوب می‌شدند و در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی مردم نقش مؤثری داشتند. اما در یک دهه اخیر با پیشرفت تکنولوژی، انجام خریدها و معاملات اینترنتی، ایجاد مجتمع‌های تجاری بزرگ و کوچک در نقاط مختلف شهرها و احداث خیابان‌های جدید و وسیع در شهرها قسمتی از فعالیت‌های داد و ستد از بازارهای سنتی و قدیمی به دنیای مجازی اینترنت و خیابان‌های وسیع و مجتمع‌های تجاری انتقال یافته است. این موضوع باعث شده به مرور زمان بازارهای سنتی در بسیاری از شهرها جایگاه خود را به عنوان مرکز اقتصادی پویا از دست بدهند و به مکانی تبدیل شوند که بیشتر از لحاظ فرهنگی و تاریخی اهمیت بسیار دارند (URL1).

تبدیل قهوه‌خانه‌ها به کافی‌شاپ‌ها

به نظر می‌رسد که همانند بیش‌تر فضاهای فرهنگی-اجتماعی در شهر مانند مسجد جامع، مدارس علمیه، خانقاه‌ها و زورخانه‌ها، اولین قهوه‌خانه‌ها هم در کنار بازارها و بازارچه‌ها شکل گرفته‌اند. قهوه‌خانه‌ها همواره در شکل‌گیری و تثبیت بخش مهمی از خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی، سنت‌ها و رسوم مردمی، نقش و تأثیر داشته‌اند (امینی و همکاران، ۱۳۹۱). همان‌گونه که معماری اصیل ایرانی با تراکم عنصر شهرنشینی آرام آرام به فراموشی سپرده می‌شود و ساخت ساختمان‌هایی با معیارهای مورد نیاز انسان امروز رواج پیدا می‌کند، به همین منوال عنصر قهوه‌خانه‌نشینی نیز جایش را به عنصری مدرن‌تر به نام کافی‌شاپ‌نشینی در محیطی کاملاً فانتزی با روشنایی خیلی کم و فضایی که وسعت زیادی هم ندارد، داده است. برخلاف قهوه‌خانه‌ها که یک حوض بزرگ آب در وسط داشت و دور تا دور آن تخت‌های چوبی چیده می‌شد و مردم با نشستن روی آن‌ها و تکیه زدن به پشتی‌ها به نقاله‌خوانی و داستان‌های حماسی و شاهنامه‌خوانی گوش می‌دادند، در کافی‌شاپ‌ها چند میز و صندلی رنگارنگ دو یا چند نفره وجود دارد که جز صدای ملایم موسیقی صدای دیگری به گوش نمی‌رسد (URL2).

تبدیل حمام‌های عمومی به سونا و استخر

حمام‌ها یکی از مهم‌ترین بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه بودند (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹). حمام‌های عمومی به نوبه خود بر چهره شهری و آهنگ حیات کوفه و هم‌چنین بصره و در فراسوی آن‌ها هر شهر اسلامی اثر گذاشته‌اند (جعیط، ۱۳۷۲: ۳۳۶). حمام‌ها تا قبل از عصر جدید بخشی از حوزه عمومی بودند که کنار خیابان و بازار ساخته می‌شدند. حمام‌ها فقط محل استحمام نبودند، بلکه یکی از ارکان مهم یک‌جانشینی شهری و روستایی محسوب می‌شدند. در حمام، مردم پس از شست‌وشوی بدن از گرم‌خانه خارج و در سردخانه نشسته و به گفت‌وگو می‌پرداختند. آن‌جا محل بحث و مناظره و کسب اخبار بود و البته کشیدن قلیان و نوشیدن چای از عناصر آن محسوب می‌شد. حمام‌های عمومی در سال‌های اخیر و با بهره‌برداری از پیشرفت‌های تکنولوژی و با تغییر شکل مسکن و احداث حمام، سونا و استخر، کارکرد خود را از دست داده و به عنوان یکی از ارزش‌های معماری، غالباً متروکه شده‌اند.

تبدیل میدان‌ها به فلکه‌های شهری

جیکویز (۱۹۹۲) و دیگرانی مانند گهل (۱۹۸۹) بیان کردند که مکان‌های شهری موفق در زندگی عمدتاً خیابان و انواع مختلف آن است که در آن فعالیت‌های رخ می‌دهد (Ujang, Norsidah, 2009). میزان فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم در شهر، شاخص‌های اصلی نشان‌دهنده سرزندگی شهری است (Zhou, Jing, 2012). میدان، فضای باز عمومی موفق و محلی مناسب برای تعامل اجتماعی است (Delianur Nasution, & Zahrah, 2012). میدان معرب همان کلمه میان است و به معنی دل شهر و فضایی باز برای اجتماع مردم، همراه با بازار اطراف آن بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۸). بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که فضای باز عمومی^۲ (POS)، عنصری مهم از محیط شهری است که سهم مثبتی در کیفیت زندگی دارد (Delianur Nasution, & Zahrah, 2012). میدان، نمادی از رشد و شکوفایی فرهنگ و هویت کالبدی هر محل و مکان و ساکنان آن است. در واقع میدان باید بتواند خاطره‌انگیزی کند و باید حضور فعال و گسترده مردم را در خود تأمین کند؛ نه این که فقط جنبه عبور و مرور داشته باشد. میدان‌های کنونی و یا مفهوم دقیق‌تر آن، فلکه‌های شهری، از زیبایی شهرسازی و نیز اصول زیبایی معماری بهره‌ای نبرده‌اند و بدون ارتباط با فرهنگ آن محل و شهر برای رفع نیاز فوری ترافیکی سواره‌طراحی و ساخته شده‌اند (URL3). با نگاهی گذرا به میدان‌های مختلف در گذشته و مقایسه تطبیقی در تار و پود عناصر تشکیل‌دهنده میدان‌ها چون راه، پیاده‌رو، سنگ‌فرش، ارتباط، فعالیت‌ها و بسیاری از معیارهای مشخص دیگر در زمینه‌های کالبدی و فضایی، می‌توان به نتایج مثبت یا منفی‌ای چون احساس غنا، نظم، تعادل، انعطاف، سرزندگی، همخوانی،

حس محصور بودن، نشانه، یادمان، هویت، روحیه فعالیت و بسیاری عوامل دیگر دست یافت. آن چه درباره میدان‌های جدید به طور اجمالی می‌توان بیان کرد، توجه کمتر شهرسازان به نقش و اهمیت فرهنگ اسلامی کشورمان، عواطف و ارزش‌های انسانی و هنرمندانه و یا عدم بازیافت آن‌ها در طرح‌های اجرا شده است. اغلب میادین شهری موجود در شهرها به خصوص در بخش جدید، بیانگر این مسأله هستند که این فضاها در تداوم منطقی با گذشته طراحی و ساخته نشده‌اند، بلکه به سبب رشد سریع جمعیت و وسعت شهرها و نیز گسترش استفاده از اتومبیل تغییر شکل ناگهانی پیدا کرده و عملکرد واقعی خود را از دست داده‌اند؛ به عبارت دیگر نه تنها اصول شهرسازی و معماری و طراحی شهری گذشته نادیده گرفته شده، بلکه اصول و معیارهای منطقی نیز ارائه نگردیده است؛ این فضاها نه تنها برای زمان حاضر، بلکه برای آینده نیز نامناسب و بیگانه خواهند بود (آسیابی، ۱۳۹۲).

تبدیل زورخانه‌ها به سالن‌های ورزشی

زورخانه برخلاف سالن‌های ورزشی تنها برای ورزش نیست، بلکه طی قرن‌ها، مراکزی برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بود. علاوه بر این ورود به زورخانه نیاز به شهرت اجتماعی خوب به عنوان عضو انتخاب شده از جامعه داشت. در زورخانه‌ها برای اعطای عنوان پهلوانی، نیاز به داشتن ترکیبی از صفات مورد انتظار برای فرد مطلوب و ایده‌آل، به خصوص شجاعت، حسن نیت، عدالت، و آمادگی برای کمک به ضعفا و افراد آسیب‌پذیر بود (Sharifi & Murayama, 2013).

تبدیل شبکه معابر ارگانیک به غیرارگانیک

تاریخ دنیای غرب حکایت از کوتاه کردن مسیرهای بن بست و توسعه عرضی خیابان‌ها دارد. فضاهای باز نه تنها در عصر جدید، بلکه در قرون وسطا نیز مورد توجه قرار داشتند. فضاهای باز نماد شهرها هستند. نمادی از مکان‌های عمومی که شهروندان در آن‌جا اجتماع می‌کنند. حکام یا فرمانروایان در مراکز قدرت خود فضاهای باز بسیار وسیع بنا می‌کردند. در کشورهای اسلامی گر چه فضاهای باز متعددی وجود دارد، اما یافتن خیابان در امتداد آن‌ها بسیار دشوار است. مکان‌های عمومی، صحن مساجد هستند که با ایوان‌های ستون‌دار و یا رواق احاطه شده‌اند. راه ورودی به صحن مساجد در مقایسه با مدخل میدان‌های معمولی شهر بسیار باریک است. وجود محوطه‌های کوچک در بناهای اسلامی و در شهرهای بزرگ بسیار متداول است. در شهرهای اسلامی خیابان‌ها نسبتاً باریک هستند و فضاهای باز و وسیع در آن‌ها دیده نمی‌شود. وجود کوچه‌های بن بست و شبکه‌های ارتباطی پیچ در پیچ، رایج‌ترین نوع راه‌های موجود در این شهرهاست (افشار، ۱۳۸۳). شایان ذکر است در صورتی که هدف از احداث معابر شهری، نقل و انتقال سریع افراد و کالاها باشد، نظام شبکه معابر باز و وسیع عقلانی خواهد بود، اما چنان چه هدف، ایجاد سلسله مراتب در حرکت و تبدیل خیابان به فضای

تعاملی بین افراد باشد، نظام خیابان‌های باریک و پیچ در پیچ کارآیی بیش تری خواهد داشت (نقل به مضمون از: Brown, 1973). این مطلب تفاوت ماهیتی و کارکردی بین خیابان‌های عصر جدید و قدیم را به خوبی نشان می‌دهد.

کم‌رنگ شدن انسجام اجتماعی محله‌ای

جامعه محلی جنبه مهمی از زندگی شهری مسلمانان بود. جامعه‌ای که مبتنی بر محله‌های همگن از لحاظ اجتماعی، مطابق با اشتراکات قومی و قبیله‌ای، مذهب، تجارت یا پیروان رهبران سیاسی و مذهبی بود. محله‌ها دارای امنیت و هویت اجتماعی بودند (دانش، ۱۳۸۹). اما رفته رفته شکاف محلی با تقسیمات جغرافیایی شهر بیش تر شد و هویت‌های منطقه‌ای، ناحیه‌ای و مرزهای جغرافیایی جایگزین پلاک و شناسنامه محله‌ها شده است. در واقع، یکی از مشکلاتی که باعث شده محله‌های کلان‌شهرها نتوانند هویت خود را حفظ کنند، تقسیمات جغرافیایی این شهرها است که بر اساس نظام سنتی شهر نیست. تقسیمات به گونه‌ای است که اتفاقاتی خارج از اتفاقات محله‌ای آن را ایجاد کرده است و این امر باعث شد زیرساخت‌های محله‌ای در محله‌ها ایجاد نشود. علاوه بر این احداث بزرگراه و طرح ساختمان‌های بزرگ نیز باعث شکاف محله‌ها شد و محله را دچار مرگ محله‌ای کرد (URL4).

تغییر الگوی سکونت از الگوی ویلایی به آپارتمانی

سابقه به کارگیری معماری برون‌گرا در ساختمان‌های معاصر، به ویژه در ساختمان‌های دولتی و با عملکردهای جدید، زمینه مناسبی بود برای ورود تفکر طرح‌های برون‌گرا در مجتمع‌های ساختمانی که تأثیرات مشهودی در پلان و تزیین نمای ساختمان‌ها داشت. به جای دیوارهای ساده و بی‌روزن، پنجره‌های متعدد و بزرگ رو به خیابان و کوچه گشوده و اغلب نماها با تزیین‌ها به مراتب پرتکلف‌تر آراسته شدند. عناصر تازه‌ای هم چون بالکن، پاسیو یا نورگیر و پاگرد و راه‌پله‌ها برای ترددهای پر تعداد و با امکان استفاده سهل تر و... جای خود را در پلان‌های جدید باز کردند. در عوض، عناصری هم چون ایوان، سرداب، باغچه، حیاط، هشتی، بادگیر، حوض و... کنار گذاشته شدند. دیگر محرمیت و سلسله مراتب، که اساس خانه‌های سنتی بود، کاربردی در تعاریف جدید مجتمع‌های مسکونی، خانه‌ها و آپارتمان‌ها نداشت. (URL5). معماری ایرانی، به دلیل بروز برخی جنبه‌های از خود بیگانگی، مورد تهاجم فرهنگی غرب واقع شده و این موضوع سبب شده است معماری اسلامی در ساختمان‌های ایرانی کم‌رنگ شود.

تبدیل باغ‌های خصوصی به پارک‌های عمومی

باغ، جامعه امروز ما را به مسیر طولانی تاریخ و فرهنگ‌مان گره می‌زند. این عنصر جوامع و خرده‌فرهنگ‌ها را در داخل جامعه بزرگ ایرانی، حتی خارج از محدوده جغرافیایی کشور فعلی ایران، به یکدیگر پیوند می‌زند. باغ و اجزای آن بخش مهمی از

کمرنگ شدن نقش مساجد و حسینیه‌ها

یکی از شاخص‌های شهر اسلامی مسجد است. مسجد، کانون تجلی هويت معنوی مسلمانان است که از صدر اسلام تاکنون به عنوان مهم‌ترین عنصر معماری مورد توجه قرار گرفته است و به شهر اسلامی محوریت می‌بخشد. مهم‌ترین کارکرد مسجد عبادت است اما در قرون نخستین اسلامی، هم‌چون برخی از مساجد امروزی، کارکرد مسجد به عبادت محدود نمی‌شد بلکه در جهت تحقق اهداف دین اسلام، امور فرهنگی-آموزشی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و قضایی نیز در این مکان مورد توجه واقع می‌گردید. اما با گسترش اسلام و تعدد نیازهای جامعه، کارکرد مسجد نیز اختصاصی‌تر شد و از آن میان کارکرد مذهبی و آموزشی آن تداوم یافت. ولی در صدر اسلام مسجد هم مفهومی دینی داشت و هم کارکرد آموزشی و اجتماعی (امینی و منتظرالقائم، ۱۳۸۷). حسینیه‌ها نیز در شکل دادن به رفتارهای گروهی، تقویت پیوندهای اجتماعی و تقویت هم‌گرایی فرهنگی همواره نقش عمده‌ای داشته‌اند (رهنما، ۱۳۷۶). حسینیه‌ها در گذشته به عنوان عناصر فعال مذهبی و اجتماعی در کنار مراکز محله‌ها نقشی سازنده ایفا می‌کردند و امروزه فقط به عنوان عنصری مذهبی در قسمت‌های مختلف شهرها دیده می‌شوند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴).

از بین رفتن نقش آب انبارها

آب انبارها در گذشته به عنوان یکی از تأسیسات شهری محسوب می‌شدند که بر اساس جمعیت و وضع اقتصادی محله به تعداد متفاوت ساخته می‌شدند. آب انبارها به عنوان تنها منبع ذخیره و نگهداری آب در شهرهای کویری محسوب می‌شدند. نوع خانگی آن حالت خصوصی داشت و نوع عمومی آن بیش‌تر در میان روستاها، درکاروان‌سراها، در مسیر راه‌های کاروانی، در قلب محله‌ها یا شهرهای کویری ساخته می‌شد که به همراه مسجد، امام‌زاده، حمام، بازار و میدان، مجموعه مرکزی شهر را ارج و زندگی می‌بخشیدند و شکل یابی محله‌ها و کوچه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دادند (ضرابی و علی‌نژاد طیبی، ۱۳۸۹). امروزه این بنا باارزش معمارانه، نقش خود را از دست داده است.

از بین رفتن نقش ارگ و برج و باروها

امروزه به جهت تغییر شیوه حکومت کشورها و نیز تغییر روش‌های محافظت از مرزها، نقش ارگ‌ها و مجموعه‌های آن از بین رفته است. اما هنوز در شهرهای کهن ایرانی آثار فراوانی از ارگ‌های قدیمی که روزگاری محل فرمانروایی و اداره امور شهر بود، به جا مانده است. توجه به این مهم ضروری است که عدم حفاظت و نگهداری از ارگ‌ها و مجموعه‌های ارزشمند آن از جمله دیوار حصار، برج و بارو و دروازه‌های متعدد و... در شهرهای تاریخی و از بین رفتن تدریجی آن‌ها، منجر به از بین رفتن یکی از ارزش‌های معمارانه دوره اسلامی خواهد شد.

ساختار فضایی و معماری اسطوره‌ای سنتی ما را در خود دارد (براتی، ۱۳۹۰: ۱۴). باغ‌های ایرانی همواره یکی از مصادیق بارز هنر، علوم و ذوق ایرانی بوده‌اند (ضرابی و علی‌نژاد طیبی، ۱۳۸۹). اصلی‌ترین اصول حاکم بر باغ‌سازی ایرانی همان اصول حاکم بر شیوه زندگی ایرانی و مشهود در معماری و شهرسازی و هنر ایرانی بود که عبارتند از: به حق بودن، پاکی و پاکیزگی، تعادل و توازن، اندازه داشتن، زیبایی، خیر، حسن، حد، توازن، تعادل و میانه‌روی و... (نقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۰). با این حال، باغ‌های ایرانی صرفاً برای استفاده قشر خاصی (مالکان آن‌ها) از جامعه اختصاص می‌یافت. اما از آنجایی که سرزندگی در فضای عمومی شهری اشاره به امن‌تر، مطلوب‌تر، و جذاب‌تر شدن فضا دارد، بوستان‌ها ظرفیت و گزینه‌ای برای فعالیت‌های اجتماعی و هم‌چنین به عنوان مکانی برای تبادل فرهنگی است (Jalaladdini, Siavash & Oktay, Derya 2012) گام مهم برای رسیدن به سرزندگی خوب شهری، غنی‌سازی جامعه یا بهبود فضای شهری است. فضاهای شهری می‌توانند محیطی دلپذیر برای رشد حیات شهری فراهم آورند. فضای شهری شبیه به مراحل است که فعالیت‌های جامعه زندگی مدنی در آن رخ داده است. خیابان‌ها، بوستان‌ها و میدانی فعالیت‌های انسان را در شهر سامان می‌دهند (Iranmanesh & Etaati, 2004). فضاهای سبز شهری می‌توانند به عنوان فضایی مطلوب و محلی برای تشویق تعامل اجتماعی باشند. اکثر مردم دوست دارند در این فضای سبز قدم بزنند و از ملاقات و دیدن افراد دیگر، لذت ببرند که می‌تواند منجر به احساس تعلق به مکان و انسجام اجتماعی قوی شود (Rasidi, Jamirsah & Said, 2012). بوستان‌ها و پارک‌ها بر خلاف باغ‌ها که غالباً خصوصی بودند، فضای شهری عمومی هستند که در آن تعاملات اجتماعی در جریان است. از طرفی یکی از معیارهای نشاط و سرزندگی شهرها و شهرک‌ها تنوع است. تنوع یکی از پارامترهای مهم برای کیفیت عرصه عمومی در شهر است. تجربه ساکنان شهری از تنوع در فضای باز می‌تواند در بوستان‌ها، میدان‌های باز و ویژگی‌های چشم‌اندازی اتفاق افتد (Harun & Mansor & Said, 2013).

تبدیل کاروان‌سراها به هتل و مسافرخانه‌ها

یکی از یادگارهای پر ارزش معماری ایران کاروان‌سراست. در دوره اسلامی، معماری کاروان‌سراها از دیدگاه سبک و تنوع نقشه‌ها به اوج شکوفایی رسید. و در مسیر شهرها و روستا، ومعابر کوهستانی و نواحی کویری، کاروان‌سرا و رباط‌های برون‌شهری و در مراکز اقتصادی و راسته بازارها، کاروان‌سرا و رباط‌های درون‌شهری با ویژگی‌های متفاوت کاربردی احداث شدند (URL6). امروزه این بنای معماری با ارزش معمارانه، جای خود را با بناهایی با عنوان هتل و مسافرخانه با سبک و معماری غالباً غیربومی عوض نموده است.

تبدیل آرامستان‌های قدیمی به آرامستان‌های جدید

تاریخ‌شناسان معتقدند که سنگ قبرها تابلوهای معماری و فرهنگ هر منطقه هستند. برای نمونه، در آرامستان‌های بخش مرکزی شهرستان آبدانان استان ایلام نیز بر روی سنگ قبرها تصاویر مختلفی اعم از نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و نیز ابزار و ادوات دیده می‌شود که فرهنگ و جهان بینی مردمان ساکن این منطقه را بازتاب می‌دهند (فیضی و فیضی، ۱۳۹۲). سنگ‌های محرابی و صندوقی آرامستان سفید چاه، شهر گلوگاه استان مازندران (با قدمت ۱۲۰۰ سال) نیز، طرح‌های معماری ایران قدیم را تداعی می‌کنند. در سنگ قبرهای محرابی آرامستان سفید چاه، می‌توانید نقوش تزیینی، اسلیمی و هندسی متقارن را در کنار نقوش و عبارات مذهبی دیگر ببینید که جلوه خاصی به این آرامستان داده‌اند (URL7). سنگ قبر در آرامستان‌های امروزی کمتر واجد ارزش معماری سنتی و اسلامی است.



تصویر شماره ۸: نمونه ی سنگ قبر های محوطه کونه کل، بخش مرکزی شهرستان آبدانان، استان ایلام
مأخذ: فیضی و فیضی، ۱۳۹۲

دیدگاه متخصصان

جدول شماره ۱ به اجماع نظر متخصصان شهری، در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌پردازد.

جدول شماره ۱: اجماع نظر متخصصان شهری در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش

عناصر شهر ایرانی - اسلامی	عناصر شهر مدرن	نکات مثبت	نکات منفی
بازار	پاساژها و مجتمع‌های تجاری	نظم و ترتیب، نظافت و زیبایی مبتنی بر این شاخص‌ها	از بین رفتن شور و هیجان و سرزندگی ناشی ... از فریاد زدن‌ها و ...
قهوه خانه‌ها	کافی شاپ‌ها	نظم و ترتیب، نظافت و زیبایی مبتنی بر این شاخص‌ها و خانوادگی شدن فضا	از بین رفتن ویژگی تعاملات مردانه و آگاهی از امور و تجربه‌های یکدیگر
گرمابه‌های عمومی	سونا و استخر	نظم و ترتیب، بهداشت و زیبایی مبتنی بر این شاخص‌ها	کمرنگ شدن تعاملات اجتماعی و ارزش‌های معنوی
میدان‌های شهری	فلکه‌های شهری	نسبتاً هر دو جایگاه و عملکرد مجزای خود را دارد	کمرنگ شدن تعاملات اجتماعی
زورخانه‌ها	سالن‌های بدن‌سازی	علمی شدن تمرین‌های ورزشی و افزایش اثربخشی فیزیکی	کمرنگ شدن ویژگی‌های روانی حاصل از ورزش گروهی و باستانی (مانند حس (جوانمردی، غیرت و افتخار
مساجد و حسینیه‌ها	کم رنگ تر شدن نقش آن‌ها	-	کمرنگ شدن تعاملات اجتماعی مبتنی بر مشارکت که با محوریت فعالیت‌های گروهی در مساجد صورت می‌گرفت
تغییر در نحوه بافت محله‌ها ((فضاهای خیابان و بن بست‌ها	بافت‌های شطرنجی	خوانایی بیشتر و سهولت در عملکرد و دسترسی و افزایش امنیت شهری	کمرنگ شدن تعاملات درون محله‌ای و حس همسایگی
تغییر در الگوی سکونت از خانه‌های ویلایی یک طبقه	به آپارتمان‌های بلند مرتبه	اکتساب فرهنگ آپارتمان‌نشینی و قانون‌مداری بیش تر	عدم ثبات سکونت گاهی و جابه‌جایی‌های سالانه که انگیزه تعامل همسایگی به مفهوم سنتی آن را کم می‌کند
باغ‌های ایران کهن	پارک‌های مدرن امروزی	بوستان‌های مدرن امروزی بیشتر و بهتر پاسخگوی نیازهای روحی استفاده‌کنندگان است چرا که باغ‌های ایرانی صرفاً برای استفاده قشر خاصی (مالکان آنها) و معماری آن در جهت جلال و شکوه بخشیدن به .کوشک و یا امارت آن بودند	ندارد
کاروان‌سراها	هتل‌ها و مسافرخانه	نظم و ترتیب، نظافت و آسایش و رفاه بیش تر	کمرنگ شدن تعاملات فرهنگی و اجتماعی بین زائرین شهرهای مختلف و از دست رفتن یکی از جلوه‌های معماری سنتی و اصیل

عناصر شهر ایرانی - اسلامی	عناصر شهر مدرن	نکات مثبت	نکات منفی
آب انبارها	از بین رفتن آنها	بهداشت و تناسب بیشتر با نیاز روز	از دست رفتن یکی از جلوه‌های معماری سنتی و اصیل
ارگ و بارو	از بین رفتن آنها	روش‌های مدرن تر مراقبت و صیانت از مرزها	از دست رفتن یکی از جلوه‌های معماری سنتی و اصیل
آرامستان‌های سنتی	آرامستان‌های امروزی	نظم و ترتیب و زیبایی مبتنی بر این شاخص‌ها	آرامستان‌های امروزی کمتر واجد ارزش معماری سنتی و اسلامی است





ارتقا یافته و یا تضعیف شده است، یا اینکه هیچ تغییری در آن‌ها ایجاد نشده است. نتایج حاکی از آن است که در اثر این تغییر، ضمن آن‌که سطح شاخص‌های کیفیت محیط همانند زیبایی بصری در فرم، خلوت، دسترسی، کارایی، همه شمولی و تنوع در عملکرد و امنیت، آسایش و خوانایی در بعد معنا ارتقا می‌یابد، اما شاخص‌های دیگری از کیفیت محیط شهری همانند ارزش‌های معمارانه و مقیاس انسانی در فرم و تعاملات اجتماعی، مشارکت و سرزندگی در عملکرد و هویت و حس تعلق و خودمانی و دنجی بودن محیط در بعد معنا تضعیف شده است.

تحلیل یافته‌ها و ارائه شاخص‌های کیفی پژوهش

با توجه به بررسی مباحث نظری (روش تحلیلی - توصیفی) و بررسی نظر متخصصان (روش دلفی) شاخص‌های کیفی پژوهش استخراج گردید و در نهایت به منظور یکپارچه کردن یافته‌های حاصل از دو روش مذکور، تمامی شاخص‌های ارائه شده در سه دسته فرم، عملکرد و معنا دسته‌بندی و به روش کیفی چک‌لیست‌های دودویی طراحی شهری ارزیابی گردید. جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در اثر تغییر عناصر شهر ایرانی - اسلامی به عناصر شهری مدرن چه شاخص‌های کیفی از بین رفته،

جدول شماره ۲: تحلیل شاخص‌ها به روش کیفی چک‌لیست‌های دودویی، طراحی شهری

عناصر شهری		فرم		عملکرد							معنا					
عناصر شهر ایرانی اسلامی	عناصر شهر مدرن	زیبایی بصری	ارزش‌های معماری	حالت	تعمیرات	دسترسی	فضای سبز و فضای عمومی	کارایی	معماری	تولید	سازگاری	امنیت	آسایش و آرامش	تعلق و هویت	معماری و زیبایی	حالت
بازار	پاساژها و مجتمع‌های تجاری															
قهوه‌خانه	کافی شاپ															
مغز مابه‌های عمومی	سونا و استخر															
میدان‌های شهری	فلکه‌های شهری															
زورخانه‌ها	سالن‌های ورزشی															
مساجد و حسینیه‌ها	کم رنگ شدن نقش آن															
شبکه معابر ارگانیکی	شبکه معابر غیر ارگانیکی															
الگوی سکونت ویلایی	الگوی سکونت آپارتمانی															
باغ‌های خصوصی	پارک‌های عمومی															
کاروانسرا	هتل‌ها و مسافرخانه‌ها															
آب انبارها	از بین رفتن نقش															
ارگ و بارو	از بین رفتن نقش															
آرامستان‌ها	آرامستان‌ها															

از بین رفته است  تضعیف شده است  ارتقاء یافته است  بی تفاوت ثابت مانده است 

مدل شهر ایرانی - اسلامی معاصر

مفهوم شهر اسلامی به عنوان مدلی قابل استناد برای پهنه وسیع سرزمین‌های اسلامی نقدپذیر است؛ زیرا پاسخ‌گویی تنوع اجتماعی - مکانی آن نیست. ساختار شهر سنتی عمدتاً وابسته به مکان است و باید اصول طراحی آن از طریق نظم طبیعت به عنوان بستر اولیه فرم‌دهی و اعتقادهای فرهنگی - مذهبی و اصول اجتماعی (سازمان اجتماعی) مورد کنکاش قرار گیرد. این بدان معنی است که ضروری است در بررسی شهرهای اسلامی - تاریخی رویکرد اجتماعی - مکانی مورد توجه قرار گیرد (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰). در فرایند تبدیل قطعیت قراردادی مدرنیته به نسبیت واقعی جهان، فرهنگ و هویت، سؤال‌آفرین موضوع‌ها در گستره جغرافیایی جهان هستند که در جهان تک‌ساحتی مدرن تا حدی نادیده انگاشته شدند. از دست دادن حس مکان و بی‌تعلقی به مکان ارتباط عمیقی با بی‌هویتی مکان سکونت و نادیده گرفتن فرهنگ انسان در شکل‌دهی به فضای زندگی دارد (جعیط، ۱۳۷۲). شهرهای تاریخی تا حد زیادی جلوه‌گاه ارزش‌های فرهنگ ایرانی و تعالیم اسلامی بوده‌اند که این اصول با ورود الگوهای غربی و تقلید بی‌منطق از آن‌ها در سیما و کالبد فضاهای شهری به مرور فراموش شدند و هویتی بیگانه بر کالبد زندگی شهرهای اسلامی حاکم شد. هویتی که هیچ سنخیتی با اصول رفتاری و باورهای مسلمانان نداشته است (ثقه الاسلامی و طباطبایی شهرآباد، ۱۳۹۱: ۶). اگر به تاریخ برگردیم، خواهیم دید که جهان اسلام شاهد دوره دوم تغییر ساختار شهری، با توجه به افزایش سرمایه‌داری مدرن و ظهور استعمار سیاسی و اقتصادی است. بر این اساس شهرهای جهان اسلام به طور رسمی توسط قدرت‌های استعماری به شهرهایی دوگانه تبدیل شدند. توسعه این موجودیت شهری برنامه‌ریزی شده در ابتدا برای نخبگان استعمار، به خوبی خود را در شهرهایی مانند الجزایر و رباط در شمال آفریقا نشان داد. در برنامه‌ریزی مناطق بیرونی، دولت استعماری به دنبال مدل‌های خاص اروپایی از جمله استفاده از شبکه هندسی و ترتیب سلسله‌مراتبی عملکردها و فضاهای شهری بود. در برخی موارد به عنوان مثال در قاهره، توسعه جدید شهری به دنبال روش برنامه‌ریزی فرانسوی هوسمان بود که با آن، میدان‌هایی به عنوان گره‌های شهری ساخته شد و پس از آن شبکه‌ای از خطوط مورب به منظور نفوذ به بافت نامنظم قدیمی‌تر به آن متصل شدند و ساختار شهری کهن را تحت تأثیر خود قرار داد. هم‌چنین مهاجرت گسترده مناطق روستایی به شهرها، نیز منجر به تغییرات زیادی در مناطق شهری شده است. مدرنیزاسیون اقتصادی به شکل قابل توجهی از فرم شهری شهرهای جهان اسلام تبدیل شده است. در جهت تغییرات ایجاد شده می‌توان به عنوان نمونه به تغییر عناصر شهری و از جمله نقش مساجد نیز اشاره داشت که مجموعه مسجد، نه دیگر به عنوان قلب شهر بلکه به عنوان بسیاری از مساجد کوچک و متوسط در همه جا

و در اطراف شهرها ساخته شد. هم‌چنین عنصر بازار به عنوان یکی از عناصر حیاتی شهرهای اسلامی در برخی از شهرهای قدیمی‌تر، به جاذبه‌های گردشگری تبدیل شد (نقل به مضمون از: Alsayyad & Turelii, 2009). بر این اساس در نتیجه تغییر عناصر و ساختار شهر اسلامی به مدرن، شاخص‌های کیفیت محیط شهری متأثر گردید و مدل شهرهای اسلامی را که تابع نظم و ساختار انسجام‌یافته‌ای در تمامی ابعاد فرم و عملکرد و معنا بود تغییر داد و در ابعادی با مشکلاتی مواجه شد.

با به بن بست رسیدن برنامه ریزی مدرن، اعتبار آموزه‌های حرفه‌ای به دست آمده از مدل‌های غربی زیرسؤال رفت و در نتیجه به استقبال شهرسازی سنتی اسلامی به عنوان یک راهنمای ممکن برای شهرهای معاصر رفتند (نقل به مضمون از: Alsayyad & Turelii, 2009). توجه به این مطلب نیز ضروری است که استفاده از ساختار شهرسازی سنتی در حال حاضر ناممکن به نظر می‌رسد، اما رعایت و معاصرسازی اصول شهرسازی سنتی در شهرهای معاصر و ارائه راهکارهای اجرایی آن امری ضروری است و نباید انتظار داشته باشیم که احداث فضاهای شهری برای شهرهای امروزی کاملاً مطابق با الگوهای سنتی باشد، زیرا آن الگوها برای شهرهای آن روزگار و مطابق با الگوهای رفتاری، معیارهای ارزشی، نظام اجتماعی و در مجموع براساس فرهنگ، امکانات، نیازها و خواسته‌های آن زمان شکل گرفته و ساخته شده بودند و مطمئناً فضاهای شهری امروز باید با توجه به شرایط و مقتضیات امروز طراحی و ساخته شوند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵). بر این اساس با توجه به مفهوم شهرسازی اسلامی (مظهر واقعیت‌های تاریخی است که اساسی در درک مسائل خاص جهان دارد) و از طرفی نتایج به دست آمده از تقلید مدل‌های غربی در شهرهای اسلامی، از جمله از دست دادن حس مکان، بی‌تعلقی به مکان با بی‌هویتی مکان سکونت و نادیده گرفتن فرهنگ انسان در شکل‌دهی به فضای زندگی، لزوم توجه به شهرسازی بومی (ایرانی - اسلامی) در کنار استفاده از الگوهای جهانی پاسخگو با نیازها، کارآمد و سازگار با فرهنگ، نگرش‌ها، ارزش‌ها و ترجیح‌های بشر امروز نقشی اساسی دارد و به عنوان مدلی کارآمد برای شهرسازی معاصر پیشنهاد می‌شود. در جهت این هدف توجه به تجربه‌های داخلی و خارجی مکان‌سازی‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

شهرسازی مدرن با بی‌توجهی به مسائل کیفی فضای شهری و توجه به روش‌های فنی و کمی، به نیاز مردم و اساساً نقش آن در فرایند برنامه‌ریزی، کمتر توجه نموده است. مردم با محیط زیست‌شان که پیوستگی تمام با تاریخ و فرهنگ آن‌ها دارد در آمیخته‌اند. بر این اساس ضرورت دارد در پی ایجاد مکان‌هایی جذاب باشیم. باید فضاها و مکان‌هایی را ایجاد کنیم که مردم

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در اثر این تغییر، ضمن آن که سطح شاخص‌های کیفیت محیط همانند زیبایی بصری در فرم، خلوت، دسترسی، کارایی، همه‌شمولی و تنوع در عملکرد و امنیت، آسایش و خوانایی در بعد معنا ارتقا می‌یابد، اما شاخص‌های دیگری از کیفیت محیط شهری همانند ارزش‌های معمارانه و مقیاس انسانی در فرم و تعاملات اجتماعی، مشارکت و سرزندگی در عملکرد و هویت و حس تعلق و خودمانی و دنجی بودن محیط در بعد معنا تضعیف شده است. بر این اساس به منظور ارتقای سطح این شاخص‌ها راهبردهایی ارائه شده است که با به کار بستن آن‌ها در کنار تقویت و بالا بردن سطح شاخص‌های مثبت، می‌توان به «مدل پیشنهادی شهر ایرانی-اسلامی معاصر» دست یافت (جدول شماره ۳).

آن‌ها را فراموش نکنند. انسان‌ها با مکانی که آن‌ها را به خود دل بسته کند، رابطه احساسی برقرار می‌کنند، که البته این مهم، رابطه مستقیمی با فرهنگ و تاریخ آنان دارد.

محیط‌های شهری ذاتاً در حال تغییر و تحول هستند. بدین منظور باید در روند طراحی، ساخت و مدیریت به این مهم توجه شود. فضاهای جدید باید خلاقانه باشد و از نظر طراحی کیفیت مطلوبی داشته باشد، این فضاها باید ریشه محکمی در تاریخ خود داشته باشند ولی در عین حال متعلق به زمان خود نیز باشند.

این پژوهش با نگاهی کلی به اشتراکات محتوایی و معنایی به وجود آمده در ساختار شهرهای اسلامی، نشان می‌دهد که با بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی در روند تغییر عناصر شهر سنتی به عناصر شهری مدرن، چه شاخص‌های کیفی مثبت و منفی را در فضاهای شهری از دست داده‌ایم و یا به دست آورده‌ایم.

جدول شماره ۳: ارائه راهبردهای مناسب برای احیای فرهنگ معماری و شهرسازی غنی گذشته، ضمن توجه به نیازهای امروز

اهداف		ابعاد		ارائه راهبردها و پیشنهادها	
مدیریتی و سیاست‌گذاری		برنامه‌ریزی جامع و مهندسی فرهنگی، اجتماعی برای تقویت حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرها سامان‌دهی، بهسازی، نوسازی، نگهداری و بهره‌برداری از بناها و آثار تاریخی و فرهنگی و مذهبی فضاهای شهری. معرفی ارزش‌های تاریخی فرهنگی به گردشگران			
اجرای فرهنگ معماری و شهرسازی غنی گذشته کشور و در نظر گرفتن نیازها و تمایلات زندگی امروز	برنامه‌ریزی و طراحی شهری	فرم	توجه به معماری و شهرسازی اسلامی و مسائل زیبایی‌شناختی شهر توسعه فرم‌های شهری و ایجاد بناهای جدید با توجه به آزمون حساسیت‌ها و علایق مردم در استفاده از آثار معماری دوران‌های مختلف با وجود تضاد در سبک، مقیاس، کاربری و مصالح در مکان‌یابی کاربری‌های شهری، تناسب مقیاس کاربری‌ها (با عنایت به محوریت مساجد، حسینیه‌ها و سایر اماکن مذهبی و ...) با مقیاس و ظرفیت مکان الزامی است. در تعیین نظام ارتفاعی بناها و تعداد طبقات ساختمان‌ها تبعیت از ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی شهر الزامی است. اجتناب نمودن از سبک‌های رایج بین‌المللی که شهرهایی بی‌روح و شبیه به هم را منجر می‌شود توجه به این که ارزش بناهای کهن، به طور معمول با تقلید ظاهری صرف و ناسازی مشابه کاهش می‌یابد، ضروری است. حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی با گسترش روح آنها در کالبد جدید		
			عملکرد	تقویت حضورپذیری و همه‌شمولی فضا از طریق اجازه حضور هم‌زمان همه گروه‌های اجتماعی، صرف نظر از جنسیت، هویت، قومیت و مذهب تقویت و ایجاد فعالیت‌های متناسب با عرصه عمومی و جاذب گروه‌های مختلف اجتماعی تجدید حیات و روان‌بخشی بافت قدیم و تقویت کارایی و پاسخگویی عملکردی ارتقای کیفی فضاهای شهری به منظور افزایش تعاملات اجتماعی و تنظیم جریان حیات مدنی توجه به مراکز شهرها (حافظه جمعی شهر) که می‌تواند زمینه‌های فرهنگی، تفریحی، فراغتی، گردشگری، زندگی مدنی و تبادل دیدگاه‌ها، عقاید و نظرات جامعه را فراهم کند توجه و تأکید بر نقش حسینیه‌ها و تکایای شهری ایرانی به عنوان بهترین نمونه از فضاهای باز شهری (فضاهای جمعی یا فضاهای چند عملکردی)	
	هویت	توجه به هویت دار بودن مکان‌ها و یا زمینه تاریخی آن از طریق توجه به شاخص‌های هویتی هر فضا تقویت معنای فضا و غنای حسی با بهره‌گیری از فرم‌های آشنا ضمن همراهی با حفاظت فیزیکی، به حفاظت اجتماعی و فرهنگی نیز توجه شود تقویت و ایجاد نشانه‌های شهری و افزایش خوانایی و هویت محیط متناسب با هویت فرهنگی، تاریخی، با عنایت ویژه به بناهای مذهبی نظیر مساجد، امام‌زاده‌ها، حسینیه‌ها، مسیرهای آیینی			
		دنج		توجه به هویت دار بودن مکان‌ها و یا زمینه تاریخی آن از طریق توجه به شاخص‌های هویتی هر فضا تقویت معنای فضا و غنای حسی با بهره‌گیری از فرم‌های آشنا ضمن همراهی با حفاظت فیزیکی، به حفاظت اجتماعی و فرهنگی نیز توجه شود تقویت و ایجاد نشانه‌های شهری و افزایش خوانایی و هویت محیط متناسب با هویت فرهنگی، تاریخی، با عنایت ویژه به بناهای مذهبی نظیر مساجد، امام‌زاده‌ها، حسینیه‌ها، مسیرهای آیینی	
					به طور کلی در برنامه‌ریزی و طراحی شهر ایرانی - اسلامی معاصر توجه به ۳ نکته ضروری است: * توجه به ارزش‌های تاریخی به عنوان بخشی از ارزش‌های حیات شهری در تعامل با شهر و شهروندان * مراقبت از محیط‌های کنونی * تدبیر متناسب با نیازها و ترجیح‌های بشر برای آینده

1. Dettman
2. Public open space

فهرست منابع و مراجع

1. افشار، مهدی (۱۳۸۳)، **شهرنشینی در اسلام**، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای، توکیو - ژاپن، تهران.
2. امینی، رحمت، خلیل آذر، جلیل و معینی، وحید (۱۳۹۱)، «طراحی فضا و مکان در نمایش‌های سنتی- مذهبی ایران؛ یک پیشنهاد»، **فصلنامه هنرهای زیبا**، شماره ۱، دوره ۱۷.
3. امینی، رقیه و منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۷)، «ارزیابی عملکرد مسجد در قرون نخستین اسلامی»، **همایش ملی آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
4. آسیابی، محمد (۱۳۹۲)، «میدان شهری: نقدی بر یک فضای شهری در حال مرگ»، **فصلنامه ایران شهرساز**، سال دوم، شماره ۴.
5. براتی، ناصر (۱۳۹۰)، «باغ یا پارک تقابل مفاهیم در دو زبان مختلف»، **فصلنامه منظر**، شماره ۱۶.
6. برقی، حمید و تقدیسی، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی چگونگی شکل‌گیری شهرهای اسلامی و ویژگی‌های آن»، **همایش ملی آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
7. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۸)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تدوین غلامحسین معماریان، سروش دانش، تهران.
8. نقه الاسلامی، عمید الاسلام و طباطبایی شهرآباد، زهرا سادات (۱۳۹۱)، «تحقیقی پیرامون کاربرد اصول زندگی اسلامی در ظهور یا خلق شهر اسلامی با تأکید بر اصل حریم و قلمرو»، **همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی**، موسسه آموزش عالی خاوران.
9. جعیط، هشام (۱۳۷۲)، **کوفه: پیدایش شهر اسلامی**، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی.
10. حبیب، فرح (۱۳۸۵)، «هماوایی نور و رنگ در فضای شهری ایرانی»، **فصلنامه هنرهای زیبا**، شماره ۲۷.
11. خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، **شهرهای ایران**، نشر نیکا، مشهد.
12. دانش، جابر (۱۳۸۹)، «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی**، شماره اول.
13. رضایی، محمود (۱۳۹۲)، «ارزش‌های جاوید و جهان گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۳.
14. رهنما، محمد رحیم (۱۳۷۶)، «حسینیه‌ها در بافت تاریخی مشهد»، **فصلنامه مشکوه**، شماره ۵۷.
15. سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۷۴)، **نابین، شهر هزاره‌های تاریخی**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
16. سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۸۵)، **فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایرانی**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
17. شفق، سیروس (۱۳۸۷)، «پیش‌درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی»، **نخستین همایش ملی آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
18. ضرابی، اصغر، علی‌نژاد طیبی، کاووس (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر عناصر و کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی»، **ماهنامه کتاب ماه هنر**، شماره ۱۴۳.
19. علیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰)، «عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی - تاریخی مسلمانان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، شماره ۳.
20. فیضی، مهسا و فیضی، نسیم (۱۳۹۲)، «معرفی و بررسی باستان‌شناختی نقوش قبرها در گورستان‌های اسلامی، بخش مرکزی شهرستان آبدانان استان ایلام»، **فصلنامه فرهنگ ایلام**، شماره ۴۰.
21. محمدی، جمال، شیخ بیگلر، رعنا (۱۳۸۷)، «کارایی شهر اسلامی در مواجهه با چالش‌های شهری امروز»، **نخستین همایش ملی آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
22. مشهدی زاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۸)، «شهر ایرانی راز پویایی»، **فصلنامه منظر**، شماره ۵.
23. موحد، علی، شمعی، علی، زنگانه، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)»، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، شماره ۵.
24. نژاد ستاری، سعیده (۱۳۹۰)، «نقش میدان‌های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تأکید بر شهرهای ایرانی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، شماره ۳.
25. نظریان، اصغر (۱۳۸۵)، **جغرافیای شهری ایران**، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
26. نفی زاده محمد (۱۳۸۶)، **ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو اسلامی)**، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، اصفهان.
27. تمدن اسلامی، «ماهنامه کتاب ماه هنر»، شماره ۱۴۴.
28. ایرانی، «ماهنامه کتاب ماه هنر»، شماره ۱۸۳.
29. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۲)، **معماری: معنا و مکان**، ترجمه برازجانی، انتشارات جان جهان، تهران.
30. نیک کار، مجید (۱۳۸۴)، «مرکز شهر شیراز در گذر زمان»، **فصلنامه جستارهای شهرسازی**، شماره ۱۲.
31. Ahmed Aly, Sherine Shafik (2011), Modernization and regionalism: Approaches for sustainable revival of local urban identity, 503 - 512
32. Alsayyad.N & Tureli. I (2009), Islamic Urbanism
33. Assakul, p. (2003), Futures studies methods, world future society
34. Brown, L.C.(1973) Introduction in L.C.Brown (ed.) From Madina To Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City, Princeton, New Jersey Darwin press, 15-50
35. Carmona, Mathew,(2006), Public Places, Urban Spaces, Architectural Press, Elsevier, Oxford
36. Cheshmehzangi, A & Heat , T (2012), Urban Identities: Influences on Socio-
37. Dehghan Touran Poshti.A, Tayefi Nasrabadi.A & Naghizade.M. (2012). Religious spaces in Islamic traditional Cities.
38. Delianur Nasution, Achmad & Zahrah, Wahyuni (2012) Public Open Space Privatization and Quality of Life, Case Study Merdeka Square Medan, 466 - 475
39. Haji-Qassemi, Kambiz, (1996), 'Ganjnameh: Cyclopdia of Iranian Islamic architecture', Shahid Beheshti University, Faculty of Architecture and Urban Planning, Documentation and Research Center.
40. Harun, Nor Zalina & Mansor, Mazlina & Said, Ismail (2013), The xperience of diversity in open spaces of two historical towns in Malaysia,
41. Iranmanesh,N & Etaati,K(2004). Civic Vitality & Ur-

ban Space

42. Jalaladdini, S & Oktay, D(2012), Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns, Procedia - Social and Behavioral Sciences 35, 664 - 674
43. Jamalinezhad.M & Talakesh.M & Soltani.H, (2011). Islamic Principles and Culture Applied to Improve Life Quality in Islamic Cities
44. Kruzhkova, Olga V (2013), Peculiarities of Urban Architectural Space Representations, 295 - 300
45. Mohad Taib. M & Rasdi.M.(2012). Islamic Architecture Evolution: Perception and Behaviour,
46. Montgomery, J. (1998). Making a city: urbanity, vitality and urban design, Journal of Urban Design, vol.3.95-96.
47. Rasidi.M , Jamirsah.N & Said.I (2012). Urban Green Spase Design Affects Urban Residents Social Interaction
48. Relph, E. (1976), Place and placelessness, London, Pion Limited.
49. Saoud.R (2002), Introduction to the Islamic city ,2-9
50. Sharifi,A & Murayama, A, (2013). Changes in the traditional urban form and the social sustainability of contemporary cities: A case study of Iranian cities, 134 - 126
51. Ujang, Norsidah (2009), Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity, 156 - 167
52. Zhou , Jing(2012), Urban Vitality in Dutch and Chinese New Towns (A comparative study between Almere and Tongzhou)
53. URL1: <http://www.asriran.com/fa/news/166114>
54. URL2: <http://www.persianpersia.com/artandculture/adetails.php?articleid= 5261&parentid =1&catid=16>
55. URL3: <http://vista.ir/article/354377>
56. URL4: <http://www.imna.ir/fa/doc/repor/206156>
57. URL5: <http://ladestan.com/vdcd5j0fyt0zj6a22y.html>
58. URL6: <http://www.hamshahrionline.ir/details/82061>
59. URL7: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=132030>